

مسعود سپهر استاد علوم سیاسی:

هراس دولت‌ها از گرفتن تصمیمات سخت ما را در حالت تعلیق نگه می‌دارد

مسعود سپهر، استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد شیراز در گفت‌وگو با هم‌میهن به دلایل تعلیق سیاست‌های داخلی و خارجی کشور پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

در زمینه سیاست‌های داخلی چندین سال است که کشور در شرایط تعلیق به سر می‌برد و عملاً مطالبات مهم برای مردم بدون پاسخ مانده است. وقتی از سختگویی دولت می‌پرسند رفع فیلترینگ چه شد، جواب می‌دهد صبوری کنید، این تعلیق در اجرای موضوعات مختلف از حجاب و فیلترینگ گرفته تا مسائل اقتصادی چه دلیلی دارد؟

تصور می‌کنم مهمترین مشکل دولت‌های ما این است که دولت‌های توانمند و قوی نیستند. یعنی بسیاری از مسائلی که نیاز به تصمیمات مهم دارند، در کشور این امکان وجود ندارد که این تصمیمات اخذ شوند. دلیل آن نیز این است که هر دولتی - فرقی نمی‌کند کدام دولت به‌ویژه دولت‌هایی که در چند سال اخیر بودند - از پیامدهای اجتماعی و بین‌المللی تصمیمات سختی که باید گرفته شود تا از این حالت تعلیق خارج شوند هراس دارند و نمی‌توانند جوابگوی نیروهای مختلف در سطح کشور باشند؛ به‌ویژه اگر قرار باشد فرآیند توسعه را در کشور به کار ببریم با چالش بسیاری مواجه هستیم چرا که در همه نظریه‌های توسعه یکی از پایه‌های پیشرفت و پیشبرد پروژه توسعه، دولت توانمند است؛ دولتی که از یک سو مورد اعتماد و مشارکت مردم باشد و از سوی دیگر در درون خود دارای یک وحدت برنامه و وحدت توافقی بر روی پروژه توسعه باشد. در ایران هیچ کدام از این معیارها ندارند؛ به‌ویژه که چند سال است نبود آنها تشدید شده است. البته باید اشاره کنم سابقه این مسئله طولانی است و باید نیروهای مختلفی که در درون و بیرون حاکمیت هستند را راضی کنند و این تصمیم برای اینکه اینها را به حرکت درنیاورد آرام کنند به حالت تعلیق می‌آید و در نتیجه اراده سیاسی لازم برای حل مشکلات قابل تحقق نیست.

چنین شرایطی چه عواقبی برای کشور در پیش دارد؟ طبیعی است که این شرایط باعث می‌شود نیروهای عمده‌ای که به‌ویژه باید در جهت توسعه به کار گرفته شوند، به خاطر این شرایط قادر به عمل نیستند. عده‌ای ناامید می‌شوند و نمونه آن را در مهاجرت‌ها می‌بینیم. عده‌ای هم قادر به کاری نیستند. سال‌هاست که این شرایط مدیران ما را ناتوان کرده است و در همه سطوح مدیران قادر به تصمیم‌گیری نیستند. در بین مدیران واقع‌ای مشهور است که از زمانی که آقای کرباسچی بعد از ارائه آن خدمات در شهر تهران جلوی میز قاضی ایستاد و انگونه با وی رفتار شد، اصلاً مدیریت در کشور خودش را به خطر نمی‌اندازد تا کارهای بزرگ و خوب بکند و حاضر نیست عواقب این مسئله را بپذیرد. این مسئله روزبه‌روز گسترده‌تر و بدتر می‌شود. یعنی همه می‌گویند چرا باید تصمیماتی بگیریم که بعداً خواهیم پاسخگوی کسانی باشیم و نتوانیم جواب بدهیم. بنابراین روند توسعه کشور به شدت به تأخیر می‌افتد و نیروها سرخورده می‌شوند و طبیعتاً



شکل گرفته است، حرکتی آهسته و تعلیقی را در پی گرفته‌اند و هنوز به این مسئله آگاه نیستند که تزریق قطره چکانی سیاست‌ها و یا پاسخ محدود و جسته و گریخته به مطالبات مردمی خشم و سرخورگی عمومی را نه تنها کاهش نمی‌دهد بلکه در مواردی می‌تواند در بیشتر شدن آن هم موثر باشد. برای نمونه زمانی که سختگویی دولت از صبوری برای رفع فیلترینگ سخن می‌گوید و معلوم نیست که این صبر تا چه زمانی باید ادامه داشته باشد، تحمل مردم در آستانه لبریز شدن است و استهلاک فرآیند فعلی بر زندگی مردم سایه افکنده و موجب کاهش ناراضیاتی و حتی اعتماد (با توجه به وعده‌هایی که از سوی مسئولان داده شده) می‌شود. در پی موارد مختلف دغدغه‌های آینده مبهمی در انتظار جامعه است؛ مثلاً اگر نتوان دولت‌های که وعده رفع فیلترینگ را داده به فشارهایی که از سوی رادیکال‌ها به آنها وارد می‌شود اندک باشد، موج بزرگتر اعتراضات و بحران‌های عظیم‌تری هستند که کشور را در بر می‌گیرند. برای نمونه یکی از دلایل موج بلند مهاجرتی که در سال‌های اخیر در کشور ایجاد شده است، همین شرایط تعلیقی است که در اجرای سیاست‌های داخلی و حتی تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی ایران چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی، ایران را بسیار منزوی کرده است و معلوم نیست که آیا این شرایط قرار است تا ابد ادامه داشته باشد و یا بالاخره شاهد گشایش‌هایی در وضعیت سیاست‌های داخلی و خارجی کشور باشیم. تعلیق در تصمیم‌گیری برای خواسته‌ها و نیازهای اساسی مردم و کشور موضوع گزارشی است که هم‌میهن به آن پرداخته و گفت‌وگویی با اساتید حوزه علوم سیاسی در این زمینه داشته است که در ادامه می‌خوانید.



فکر می‌کنید این شرایطی که تشریح کردید چه عواقبی برای کشور دارد؟

عواقب که معلوم است: بحران مشروعیت که ایجاد شده، بحران مشارکت ایجاد شده، بحران نفوذ که ایجاد شده است و بحران کارآمدی در کشور به وجود آمده است؛ همه اینها را در کشور داریم. در کشوری که این همه بحران وجود دارد، چه عاقبتی می‌توان برای آن متصور بود؟ کشوری که توانایی حل مشکلاتش را ندارد و با بحران کارآمدی روبه‌رو است. در حوزه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی؛ در کدام حوزه نظام توانست بحران‌ها را حل کند؟ در مسئله اجتماعی آیا استفاده از دیش و ماهواره را حل کرد؟ مسئله فیلترینگ را توانست حل کند؟ مسئله حجاب را توانست حل کند؟ در مسئله سیاسی برای عدم مشارکت مردم و گرایش نیروهای سیاسی به سمت رادیکال شدن کاری کرد؟ در زمینه اقتصادی توانست مشکل تورم و گرانی را حل کند؟ حالا اینکه چه خواهد شد را نمی‌توان در حوزه سیاست پیش‌بینی کرد. زمانی است که گروه نخبه حاکمی تصمیم می‌گیرد و سرنوشته کشور را عوض می‌کند همانطور که با تصمیم برای این دوره از انتخابات توانست از غلبه گروه امثال جلیلی و میرباقری به قدرت جلوگیری کند، گاهی می‌توانستند استراتژی را عوض کنند، به دامن مردم برگردند و مطالبات آنها را تأمین کنند و یا این شرایطی می‌تواند ادامه داشته باشد و شکاف بین حکومت و ملت ادامه یابد و کل ملت را از دست بدهند.

در سیاست بین‌المللی هم معتقد هستید که تعلیقی وجود نداشته؟

بله در سطح بین‌المللی هم به همین معتقد هستم. اصلاً تعلیق در عرصه سیاست وجود ندارد و مبارزه همواره ودانمی است. مبارزه برای کسب قدرت و افزایش ثروت ادامه دارد اما به تناسب قدرت طرف مقابل، استراتژی‌ها تغییر می‌کند.

به‌عنوان نمونه در کشور مادر موضوع FATF و مسئله رفع تحریم، این موضوعات کاملاً در حالت تعلیق به سر می‌برند و وزیر امور خارجه دائماً در حال رایزنی با کشورهای منطقه درباره موضوعات اخیر است. توجه نکردن به این موضوعات و این نکته که موضوع رفع تحریم و مسئله FATF در چند دولت ادامه داشته و هنوز نتوانستند این مسائل را به نفع مردم حل و فصل کنند چه آسیب‌هایی برای کشور خواهد داشت؟

همین گروه اقتدارگرا دنبال حذف جریان اصلاح‌طلبی بوده‌اند و تفکر امثال آقای میرباقری جلوی این موضوعات را گرفته است و کاری هم نمی‌توانند بکنند. بعلاوه دولت در ایران کاره‌ای نیست. مسئله برجام را آیا دولت هوا کرد یا مجلس دهم؟ FATF؟ چطور؟ این موضوعات در قدرت دولت نیست.

در نتیجه نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که دولتمردان ما سیاستی در پیش بگیرند که از این وضعیت معلق از نظر من و از نظر شما غیر معلق ولی آسیب‌زا خارج شویم؟

این بستگی دارد به اینکه چقدر قدرت حاکم اجازه دهد؛ اگر قدرت حاکم اجازه ندهد هیچ کاری نمی‌توان کرد.

با آمدن آقای پزشکیان نشانه‌هایی پدیدار شد که حاکمیت نیز تمایل دارد تغییراتی ایجاد شود. فکر می‌کنید این گروه‌های اقتدارگرا هستند که در نهایت موفق خواهند بود یا این بار می‌توانیم امیدوار باشیم ماجرا فرق می‌کند و شاهد برخی تغییرات بود؟ اینجا بستگی دارد به اینکه اراده نظام بر این باشد که گروه اقتدارگرا را کنترل کند یا نه، آیا به آنها اجازه دهد در بزنگاه‌ها حاضر شوند و جلوی دولت بایستند؟



اظهارات خلاف واقع درباره پایان حصر

اسدالله بادامچیان، دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی، اخیراً در گفت‌وگو با خبرنگاران در خصوص مسئله حصر میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد، مدعی پایان این محدودیت‌ها شده و گفت: «الان این‌ها حصر نیستند، این‌ها را می‌روند می‌بینند، همه کار می‌کنند. یک دلیل حصر این است که این احتمال داده می‌شد دیگران این‌ها را به قتل برسانند و به پای جمهوری اسلامی بگذارند. حصر این‌ها دیگر تمام شده. آن‌ها دیگر مدت‌هاست که در حصر نیستند.» در پی این سخنان، حسین کروبی، فرزند مهدی کروبی در گفت‌وگویی با امتداد، ضمن تکذیب اظهارات دبیرکل حزب مؤتلفه، تأکید داشت: «من به جد این اظهارات خلاف واقع را تکذیب می‌کنم. هیچ انعام حصری صورت نگرفته و حصر همچنان ادامه دارد. اتفاقاً پس از آنکه آقای کروبی عنوان کرد: من تا مادامی که مهندس موسوی رفع حصر نشود، خواستار رفع حصر نبوده و آن را نمی‌پذیرم، مسئولین مربوطه شرایط حصر را سخت‌تر کردند. حتی برخی اشخاص که چند باری توانسته بودند نزد پدرم بیایند برای ملاقات با مخالفت روبه‌رو شده‌اند. به عبارت دیگر، حصر پس از مصاحبه پدرم، بهتر که نشد هیچ؛ شاهد بدتر شدن وضعیت آن نیز بودیم.» وی در ادامه افزود: «اما در سایر اظهارات اخیر دبیرکل مؤتلفه، لازم هست بگویم بخشی از حاکمیت تصویری می‌کند نظام برای آقای کروبی و موسوی ملاطفت نشان داده و محصورین را با غل و زنجیر به سقف آویزان نکردند؛ ضمن اینکه در خصوص اظهارات ایشان منی بر اینکه محصورین با آرامش دنیا را ترک کنند نیز باید مصاحبه بگویم که با کار درست و صحیحی که محصورین در سال ۱۳۸۸ کردند، مطمئن باشید در پیشگاه خدا و مردم در آرامش کامل به سر می‌برند. در واقع این، آقای بادامچیان و دوستان‌شان هستند که در این ۱۶ سال آرامش نداشته و هر روز منتظر مخالفت‌های جدی از سوی مردمند.»



نخستین فرماندار زن استان کردستان

آرش زره‌تن لپهونی، استاندار کردستان طی حکمی سوده به ضرغام‌نژاد را به عنوان فرماندار شهرستان دهگلان معرفی کرد. سوده به ضرغام‌نژاد، پیشتر سمت معاون برنامه‌ریزی و توسعه فرماندار سنندج را به عهده داشته و اکنون خودش فرماندار یکی از شهرستان‌های استان کردستان محسوب می‌شود. ضرغام‌نژاد پیش از این به‌عنوان مدیرکل اداره کل امور بانوان استانداری کردستان مشغول به فعالیت بود.



مسئله ظریف در سران قوا هم مطرح شد

شهرام دبیری، معاون پارلمانی رئیس جمهوری در گفت‌وگو با ایلنا، درباره این که برخی از نمایندگان مجلس معتقدند بر اساس قانون مشاغل حساس، جواد ظریف، معاون راهبردی دولت باید کنار گذاشته شود، درباره تصمیم دولت در این خصوص، عنوان کرد: «آقای رئیس جمهور جلسه‌ای با مجمع نمایندگان تهران داشتند و دوستان هم مسئله را مطرح کردند. آقای پزشکیان هم توضیح دادند که اقدام قانونی در این ارتباط انجام شده است و لایحه‌ای به مجلس ارائه شده و در سران قوا هم مطرح شده که اگر این مسئله به شکل قانونی اصلاح شود، روند ادامه فعالیت آقای ظریف هم انجام خواهد شد.»